



اهمیت هدفمندی و برنامه ریزی در زندگی / نظم و برنامه زندگی را شاد می کند

ظرفیت ما برای زندگی خلاق، موفق و شاد به نگرش و طرز تفکر ما بستگی دارد و این امر هم فقط با هدفمندی، برنامه ریزی، نظم و تلاش به دست می آید و غیر از این هر راه دیگری فقط بیراهه و عمر تلف کردن است.

ظرفیت ما برای زندگی خلاق، موفق و شاد به نگرش و طرز تفکر ما بستگی دارد و این امر هم فقط با هدفمندی، برنامه ریزی، نظم و تلاش به دست می آید و غیر از این هر راه دیگری فقط بیراهه و عمر تلف کردن است.

به گزارش خبرگزاری مهر، روزمرگی و لحظه ای زندگی کردن یکی از آسیب های رایج شیوه و سبک زندگی میانگین جامعه ایرانی است، این در صورتی است که برنامه ریزی خیلی از سختی های و ناکامی های زندگی را از بین می برد و انسان را در مسیر رشد و ترقی قرار می دهد.

تقریباً همه افراد به دنبال موفقیت و شادی در زندگی هستند و این امر را بیشتر در بیرون جستجو می کنند، در حالی که موفقیت و شادی در زندگی در مجموع در دست خود افراد است. اگر هر فرد برای زندگی خود برنامه داشته باشد گذشته از حوادث استثنائی و خارج از کنترل آدمی، موفق خواهد شد و به شادی خواهد رسید.

وقتی از زندگی با برنامه سخن به میان می آید مقصود نظم و هدفمندی است. ما تنها زمانی می توانیم در هر مقام و موقعیت رشد کنیم که برای انجام هر کار، به جای مصلحت جویی از دیگران و یا استفاده از کتاب های راهنما، با برنامه ریزی خود و اندیشه خلاقانه جلو برویم.

زندگی با برنامه و خلاقانه نیازمند آن است که نخست اهداف زندگی مشخص شوند، چرا که بدون هدف سراسر زندگی بیهوده خواهد بود، هر برنامه ای تعیین مسیر حرکتی است از يك مبدأ که در آن قرار گرفته ایم به سوی مقصد بدین منظور باید به نکاتی توجه کرد.

- تعیین اهداف اصلی

- مشخص کردن هدف های فرعی

- کمک گرفتن و مشورت با افراد آگاه

- اولویت بندی اهداف اصلی و فرعی

- تعیین زمان لازم برای رسیدن به هر يك از اهداف

- توجه به توان، استعداد، علاقه و امکانات خود در برنامه ریزی

- در نهایت قرار دادن کارها و فعالیت هایی که رسیدن به اهداف را ممکن می سازد در برنامه روزانه و هفتگی، ماهیانه و سالیانه.

رسیدن به موفقیت در زندگی به نگرش و طرز تفکر ما بر می گردد. طبیعی است که چنانچه همه چیز بر وفق مراد باشد و امور آنگونه که انتظار است پیش برود، اهداف محقق خواهد شد، اما در واقع هنگام برخورد با موانع و تنگناهاست که ظرفیت آدمی در بوته آزمایش قرار می گیرد و چنانچه در این آزمون سربلند بیرون آید پاداش ارزنده ای که همانا شادی است نصیبش می شود.

انسان در برخورد با مشکلات باید تردید درباره خود را رها کند و از بدترین موقعیت ممکن، بیشترین بهره را نصیب خود کند و در نامساعدترین موقعیت ها، کوچکترین فرصت ها را دریابد و از آن در جهت ایده آل و آرمان خود سود ببرد. کودکان معمولاً دنیا را آکنده از بدقابلی ها و نابسامانی ها تصور نمی کنند. آنان به اندک بهانه ای از ته دل می خندند و موانع و تنگناها را زود از سر می گذرانند. اگر روزی يك برف سنگین سبب شود که برنامه شان به کلی به هم بخورد، آن را به بدشانسی خود نسبت نمی دهند. چرا ما در بعضی از جهات از کودکان تقلید نکنیم که طبیعی و ساده زندگی می کنند و به طور غریزی شاد هستند.

زندگی کردن موفق و شاد وقتی به دست می آید که با برنامه ریزی از فرصتها و لحظه ها برای زندگی ایده ال به نحو مطلوب استفاده کنیم و نگذاریم روزها از پس یکدیگر گذر کنند و ما هیچ بهره ای از آن نبریم که قطعا در آینده ممکن است خسران بزرگ نصیب مان شود. این امر ممکن نیست مگر با اندیشه و تدبیر درست برای رسیدن به يك هدف که همانا رشد و تعالی که خداوند برای ما چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی زندگی در نظر گرفته است. پس باید از لحظه لحظه زندگی استفاده نمود و برای آن برنامه داشت و

